

حوادث۱۹جاذبه

تلنگر

انتقام مجازی از جراح پلاستیک

مرد جوانی که به دلیل دشمنی با پزشک معالج خود اقدام به نشر اکاذیب و افترا درباره وی در فضای مجازی کرده بازداشت شد.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به جام‌جم گفت: آبان سال گذشته یک پزشک جراح پلاستیک با حضور در اداره پلیس شکایتی را مطرح کرد مبنی بر این‌که مرد ناشناسی در محیط ویلاگ با نوشتن مطالبی دروغین باعث خدشه‌دار شدن موقعیت کاری او شده‌است. تحقیقات در این باره‌آغاز و معلوم شد‌که ماجراصحت داردو نگارنده با انتشار مطالب توهین‌آمیز در فضای ویلاگ پزشک جراح پلاستیک را ناکارآمد معرفی کرده‌است.

وی افزود: تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش رد مرد ۴۸ ساله‌ای که در جنوب تهران زندگی می‌کرد در این پرونده به دست‌آمد که با بازداشت شد. متهم به نام سعید بازجویی شد و در تحقیقات پلیسی اعلام کرد‌که مدتی پیش برای کاشت مو به این پزشک مراجعه اما وی در کار خود کوتاهی کرده‌ است بنابراین به قصد انتقام‌گیری با نوشتن مطالبی درباره این پزشک سعی بر آن داشته‌که به وی در حرفه‌کاری‌اش آسیب برساند.

قتل خواهران به دست برادران

دو برادر بر اثر اختلافات خانوادگی به قتل دو خواهرشان اقدام کردند‌که بازداشت شدند.

سرهنگ عبدا... فاتحی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی کردستان به ایرناگفت: عصر چهارشنبه‌مردی با کلانتری ۱۸ ناحیه منفصل شهری نیاسر تماس گرفت و از درگیری خانوادگی همسایه‌شان خبر داد. ماموران کلانتری با حضور در محل درگیری مشاهده کردند دو برادر با دو خواهرشان درگیر شده‌اند و آن دو به قتل رسیده‌اند. اجساد دو دختر به پزشکی قانونی منتقل شد و برادران آنها بابت جنایت بازداشت شدند.

وی افزود: یکی از متهمان در بازجویی پلیسی اعتراف کرد‌که به‌خاطر اختلافات خانوادگی، مشاجره لفظی میان او و دو خواهر ۳۴ و ۲۲ ساله‌اش رخ داده‌ است. در ادامه با شدت گرفتن درگیری یکی را با روسری خفه کرده و دیگری را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده‌ است. برادرش فقط با او همراهی کرده و جنایت‌ها را خودش انجام داده‌ است.

قتل ۲ مرد در جاده

همزمان با کشف جسد دو مرد‌که با شلیک گلوله در جاده مه‌باد - میاندوآب به قتل رسیده بودند، تحقیقات برای حل معمای این جنایت آغاز شد.

بامداد جمعه ۴ اردیبهشت امسال پلیس در جریان کشف جسد دو مرد در جاده مه‌باد -میاندوآب و نزدیکی روستای تالاو قرار گرفت. ماموران با حضور در آنجا و بررسی‌های اولیه متوجه شدند این دو مرد با شلیک گلوله به قتل رسیده‌اند. با کشف اجساد آنها ماموران به تحقیقات محلی پرداختند و هویت آنها را شناسایی کردند. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد‌آن دو اهل مه‌باد بودند‌که هنگام بازگشت از روستای تالاو به مه‌باد توسط افرادی ناشناس به قتل رسیده‌اند.

آن‌سوی مرزها

حبس و جریمه برای انتشار خبرهای جعلی
دولت سنگاپور قانونی را به تصویب رسانده که براساس آن انتشاردهندگان اخبار جعلی در این کشور با حبس تاده سال و پرداخت جریمه‌های سنگین مواجه خواهند شد. به گزارش میزان، پارلمان سنگاپور قانون «مبارزه با دروغ‌پرانی و دستکاری آنلاین» را با ۷۲ رأی مثبت در برابر ۹ رأی منفی به تصویب رساند. این قانون، دروغ‌پردازی‌هایی را که به منافع سنگاپور آسیب برساند یا در انتخابات این کشور تأثیر نگذار ممنوع کرده و ارائه‌دهندگان سرویس را ملزم به حذف محتوای کند و به دولت این کشور اجازه‌مسدود کردن چنین محتواهایی را می‌دهد. همچنین این قانون تاده سال حبس و جریمه‌های نقدی سنگین را برای مرتکبان جرم در نظر گرفته‌است. وزیر قانون سنگاپور گفته دستورات مبنی بر تصحیح یا حذف محتواهای نادرست اغلب به شرکت‌های فناوری داده می‌شود و نه افرادی که به‌طور غیرعمد قانون را نقض کرده‌اند.



با رینگ و لاستیک خودروهایشان را سرقت کردند. سرانجام ردپای پنج نفر در این پرونده به دست آمد و آنها یکی پس از دیگری چند روز پیش بازداشت شدند و به ۸۰۰ فقره سرقت لوازم داخل خودرو اعتراف کردند. در جریان تحقیقات معلوم شد یکی از اعضای باند که زن است به تنهایی به ۳۰۰ فقره سرقت دست زده‌ است.

خودروهایشان در محله‌های مختلف شهر تهران در دستور کار ماموران اداره

بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. تحقیقات نشان می‌داد چون شاکیان پارکینگ نداشتند، خودروهایشان را در خیابان پارک کرده‌اند که سارقان با شکستن شیشه و خم کردن درهای خودروی آنها، لوازمی از جمله ضبط، باند

اعضای یک باند پنج نفره سرقت لوازم داخلی خودرو در تهران بازداشت و به ۸۰۰ فقره سرقت اعتراف کردند. سرهنگ کارآگاه داوود فرد، جانشین پلیس آگاهی پایتخت به جام‌جم گفت: از روزهای پایانی اسفند سال گذشته تا اوایل فروردین امسال شکایت‌هایی مردمی مبنی برسرقت لوازم و محتویات داخل

اهدای اعضای بدن دختر شاهرودی به ده‌ها بیمار زندگی دوباره بخشید

زندگی به توان ۶۱

معصومه ملکی		<div><div><div><div><div><div></div><div><div>خانواده دختر دانشجوی شاهرودی</div></div></div><div></div>در پی تصادف و مرگ مغزی دخترشان در اقدامی خدایسندانه</div></div></div></div>
 <div>اعضای بدن او را اهدا کردند. اعضای بدن این دختر جوان به ۶۱ بیمار پیوند زده شد.</div>		
 <div>به گزارش خبرنگار جام جم، عارفه عرب احمدی ۲۳ ساله، چند واحد درسی‌اش مانده بود تا در رشته کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه صنعتی شاهرود فارغ التحصیل شود اما بعد از ظهر هشتم اردیبهشت امسال تصادف، تقدیر زندگی‌اش را عوض کرد. او برای شرکت در کلاس درس و همراهی با دوستانش برای برنامه‌ریزی جشن فارغ التحصیلی از خانه‌شان در شهرک البرز خارج شد. خانه‌شان تا دانشگاه ۲۰۰ متر فاصله داشت. ساعت سه‌بعد ازظهر تلفن مادر زنگ خورد. دوست عارفه بود که می‌گفت او حالش بد شده است. مادر، تلفنی پدر را خبرکرد و بعد راهی بیمارستان امام حسین (ع) شاهرود شد. دخترش در بخش اورژانس بستری و پدر بالای سرش بود. عارفه تصادف کرده بود. او را به اتاق عمل بردند و خواهرانش و بقیه فامیل هم به بیمارستان آمده و دعا می‌کردند او خوب شود. چهار روز سخت برای خانواده گذشت و او همچنان چشم‌انش بسته بود. سرانجام یکی از پزشکان نزد خانواده عارفه رفت و گفت همه تلاش خود را انجام دادند اما دیگر امیدی</div>		

قتل به خاطر

نگاه چپ به دختر همسایه

مرد جوان که به خاطر نگاه چپ به همسایه در درگیری با پسر مورد علاقه او، مرتکب قتل شده بود در حالی به‌زودی پای میز محاکمه قرار می‌گیرد که اولیای دم برای او حکم قصاص خواسته‌اند.
به گزارش خبرنگار جام جم، بیست و چهارم فروردین سال ۹۷ به کلانتری خزانه خبر رسید دو مرد جوان در درگیری خیابانی در کوچه روحی در فلکه چهارم خزانه به شدت زخمی شده‌اند. پلیس به خیابان مورد نظر رفت و دو پسر جوان به بیمارستان منتقل شدند. اما حسن ۲۲ ساله ساعتی بعد به خاطر بریدگی شریان اصلی سفیدرانش تسلیم مرگ شد و دوست وی به نام عرفان که از ناحیه سر و صورت زخمی شده بود تحت درمان قرار گرفت. در بررسی‌ها روشن شد حسن برای رساندن دختر مورد علاقه‌اش سحر، مقابل خانه پدری او به محله خزانه رفته بود که قربانی خشم مرد همسایه به نام امیر شد.

پلیس در نخستین گام از تحقیقات به بازجویی از سحر پرداخت. وی گفت: آن روز به دیدن حسن رفته بودم. بعد از گردش سوار موتور او شدم تا او و دوستش عرفان مرا به خانه پدری‌ام برسانند. آنها مقابل در مرا پیاده کردند و من به سمت خانه پدرم می‌رفتم که مرد همسایه‌مان به نام امیر بیرون آمد و به من تملک انداخت. حسن که متوجه ماجرا شده بود، فریاد کشید و این شروع درگیری بود. مرد همسایه دقایقی بعد به داخل خانه رفت و این بار باقمه برگشت و حسن و عرفان را زخمی کرد و گریخت.

با اطلاعاتی که دختر جوان به پلیس داد ردپایی امیر آغاز شد، اما وی به محل نامعلومی گریخته بود. یک ماه از این ماجرا گذشته بود که یکم اردیبهشت امیر همراه پدرش به پلیس آگاهی رفت و خودش را تسلیم پلیس کرد. وی گفت: آن شب برای بیرون گذاشتن اشغال‌ها از خانه بیرون رفتم و برای اولین بار با حسن که سوار موتور بود روبه‌رو شدم. او بی‌دلیل بر سرم فریاد زد و گفت چرا به دختر مورد علاقه‌اش نگاه چپ می‌کنم. به او گفتم اشتباه می‌کند، اما گوشش بدهکار نبود. حسن از موتور پیاده شد و به سمتم حمله کرد. من در خانه را بسته‌ام اما او با لگد به در خانه‌مان می‌کوبید و فحاشی می‌کرد. از زیرزمین یک چاقو برداشتم تا او را بترسانم و ساکت کنم. اما در درگیری یک ضربه به پای او خورد. من یک ضربه هم به صورت عرفان زدم.

با اعتراف‌های امیر وی به بازسازی صحنه جرم پرداخت و قرار است به‌زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کند. این در حالی است که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته‌اند. عرفان هم که از ناحیه بینی و لب و چانه زخمی شده بود نیز درخواست دیه را مطرح کرده‌ است.

نیست و او باید برای تأیید مرگ مغزی‌اش به بیمارستان سینای تهران منتقل شود. عارفه را به آنجا منتقل کردند که پزشکان در بررسی وضعیت او مرگ مغزی دختر دانشجوی را تأیید کردند و بعد خانواده‌اش تصمیم گرفتند به وصیت دخترشان که اهدای اعضای بدن او بود عمل کنند. هر چند عارفه نقاب برخاک کشید و رفت اما با اقدامی که انجام داد، نوید زندگی بردل بیماران زیادی روشن شد.
علی اکبر عرب احمدی، پدر اهداکننده اعضا به جام جم گفت: پسرم ده سال پیش فوت کرد و سه دختر داشتم که عارفه آخرین فرزندم بود. او چند واحد درسی‌اش مانده بود تا فارغ التحصیل شود. آنقدر مهربان و بخشنده بود که با رفتنش هم ایثار و بخشندگی کرد. دلمان برایش تنگ شده‌ است. روزحادثه هنگام بازگشت از دانشگاه، پسر جوانی که راننده خودروی پژو پارس بود با دخترم تصادف کرد. در زمان تصادف سرعت خودرو ۳۰کیلومتر بر ساعت بود. آن روز از طریق تماس تلفنی همسرم متوجه شدم عارفه حالش بد شده و در بیمارستان است.

وی افزود: بعد از آن دوستم با من تماس گرفت و خبر داد هنگام عبور از مقابل دانشگاه بوده که متوجه تصادف دختر جوانی شده و به اورژانس زنگ زده، همان موقع دیده که کارت دانشجویی او کناری پرت شده و آن را خوانده و متوجه شده دختر من است. زمانی که به بیمارستان رسیدم تازه آمبولانس آمده بود و

۱۳۰ مغازه بازار تبریز در آتش سوخت

۱۳۰ مغازه در آتش سوزی مهیب بازارچه سنتی تبریز در میان شعله‌های آتش سوخت.
به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۳ و ۱۰ دقیقه چهارشنبه هجدهم اردیبهشت امسال آتش‌سوزی در بازارچه سنتی تبریز که بزرگ‌ترین بازار سریوشیده دنیاست، رخ داد. آتش‌نشانان و امدادگران اورژانس برای امدادرسانی در محل آتش سوزی که در سرای یکی قاپیلی بازار لوازم آرایشی بود حاضر شدند. آتش‌نشانان بعد از پنج ساعت عملیات شعله‌های آتش را که در حال سرایت به دیگر سرای‌های مجاور بازار بود، خاموش کردند. در این آتش‌سوزی ۲۹ نفر از جمله ۱۹ آتش‌نشان مصدوم و دچار دودزدگی شدند که دو نفر در بیمارستان بستری‌اند. هنوز علت حادثه و میزان خسارت اعلام نشده‌ است. ۸۰ درصد مغازه‌ها بیمه بودند که بعد



محل آتش سوزی حاضر شده‌ است و به برآورد خسارات‌های موجود می‌پردازند و لازم نیست بازاریان به دفتر بیمه مراجعه کنند.

انتقام عجیب از زن فالگیر با نان خامه‌ای

دختر جوان زمانی که متوجه شد نسخه خوشبختی زن فالگیر برایش در ازدواج با پسر مورد علاقه‌اش عمل نکرده دست به انتقامگیری عجیبی زد. او با دوستش نان خامه‌ای مسموم به فالگیر دادند و بعد از بیهوش کردن وی پول و طلاهایش را ردزدیدند. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چند روز پیش زن میانسالی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایتی مطرح کرد مبنی براین‌که در خانه‌اش بیهوش شده و زمانی که به‌هوش آمده در بیمارستان بوده و پول، دلار و طلاهایش که ارزش ۲۰۰ میلیون تومانی داشته سرقت شده‌است.

با دستور بازپرس پرونده ماموران به تحقیق از شاکی پرداختند که معلوم شد او در زمینه فالگیری و نوشتن نسخه خوشبختی برای مردان و زنان و دختران دم‌بخت فعالیت دارد. آن روز هم مشتریانش دختران جوانی بودند. بعد از خوردن نان خامه‌ای که یکی از آنها برایش آورده بود در زیرزمین خانه‌اش در شمال تهران بیهوش شده و پس از چند ساعت پسرش او را یافته و به بیمارستان برده بود. زمانی که به خانه بازگشته متوجه به‌هم‌ریختگی آنجا و سرقت از آنجا شده‌ است. او به دو دختر که مشتریان آخرش بوده و نان خامه‌ای آورده بودند، مظلنون بود. ماموران در بازبینی دوربین مغازه‌ای که در مجاورت خانه شاکی بود تصاویری را به دست آوردند که نشان می‌داد آن دو دختر جوان در حالی‌که دستپاچه بودند

فاطمه در تهران ناپدید شد



دختر ۷ ساله افغانستانی پس از بیرون آمدن از خانه در محله جیحون تهران ناپدید شد. پلیس هنوز با گذشت یک هفته از ماجرا ردی از سرنوشت این کودک پیدا نکرده‌ است. در حالی که خانواده باران شیخی خوشحال از بازگشت دخترشان به خانه هستند اما خانواده فاطمه دلنگران دخترشان هستند. به گزارش جام جم، ظهر ۱۳ اردیبهشت امسال دختر هفت ساله افغان به نام فاطمه از خانه‌شان در خیابان مرتضوی، نرسیده به خوش خارج شد و بازنگشت. بعد از غیبت طولانی وی خانواده‌اش با حضور در کلانتری نواب ماجرای ناپدید شدن وی را به پلیس گزارش دادند. مادر باران درباره ناپدید شدن دخترش به جام جم گفت: روز جمعه ساعت ۱۰ صبح، فاطمه از غفلت من سوء استفاده کرد و از خانه بیرون رفت. همه جا را به دنبالش گشتم اما خبری نبود. شوهرم به اداره آگاهی رفت و شکایت کرد اما با گذشت یک هفته هیچ خبری نشده‌ است. وی ادامه داد: در محله مان دوربین مداربسته نیست و کسی فاطمه را هنگام خروج از خانه ندیده‌ است. دخترم عادت نداشت برای مدت طولانی بیرون از خانه باشد و احتمال می‌دهم حادثه‌ای برای او رخ داده باشد. عبدا... شریفی پدر فاطمه هم گفت: پس از ناپدید شدن فاطمه دو ساعت در خیابان‌ها، پارک‌ها، ایستگاه‌های مترو و بیمارستان‌های اطراف خانه را جست‌وجو کردم تا ردی از او پیداکنم که نتیجه‌ای نداد.